

تحلیل روش‌های قرآنی در تقویت استقلال قضائی و نقش آن بر مشروعیت حکمرانی		
وابستگی سازمانی	نویسندگان	
دانش آموخته کارشناسی ارشد، علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، شیراز، ایران	صدیقه مقدمی منفرد	
استادیار، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز، ایران	مجید صادقی مزیدی *	
چکیده	اطلاعات مقاله	
استقلال قضایی به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی تحقق عدالت و حکمرانی مطلوب در نظام‌های حقوقی شناخته می‌شود. از این‌رو تأثیر آن بر مشروعیت حکمرانی، موضوعی مهم و پیچیده است که به بررسی اصول اخلاقی و حقوقی موجود در قرآن کریم می‌پردازد. قرآن به‌عنوان منبع اصلی قانون‌گذاری در جوامع اسلامی، اصولی را برای استقلال قضایی و عدالت تعیین کرده است که می‌تواند به تقویت نهادهای قضایی و افزایش اعتماد عمومی به نظام حکمرانی کمک کند. این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای صورت گرفته، به بررسی دقیق آیات مرتبط با عدالت و قضاوت پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه آموزه‌های قرآنی می‌توانند به تقویت استقلال قضایی و بهبود فرآیندهای حکومتی منجر شوند. نتایج این مطالعه بر ضرورت نهادینه‌سازی اصول دینی در ساختارهای قضائی و قانونی تأکید دارد و بر این نکته تصریح می‌کند که هم‌راستایی نظام قضایی با ارزش‌های اسلامی می‌تواند موجب افزایش مشروعیت حکمرانی و تقویت بنیادهای اجتماعی و سیاسی گردد. این تحقیق در نهایت به تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود در راستای تحقق این اهداف پرداخته و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت فعلی ارائه می‌دهد.	نوع مقاله	
	پژوهشی	صفحه
	۴۷ - ۳۳	دوره ۲، شماره ۱ (شماره سوم پیاپی)
	اطلاعات نویسنده مسئول	نویسنده مسئول
	مجید صادقی مزیدی	کد ارکید
	.....	تلفن
	۰۹۱۲۰۳۰۵۵۲۵	ایمیل
	majid.sm39@yahoo.com	سابقه مقاله
	تاریخ دریافت	۱۴۰۴/۰۱/۱۵
	تاریخ ویرایش	۱۴۰۴/۰۲/۰۱
تاریخ پذیرش	۱۴۰۴/۰۲/۱۵	
تاریخ انتشار	۱۴۰۴/۰۲/۲۵	
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی	
قرآن، استقلال قضایی، مشروعیت، حکمرانی، چالش‌ها و موانع	واژگان کلیدی	
توضیحات		
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.		
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.		
نحوه استناد	مقدمی منفرد، صدیقه؛ صادقی مزیدی، مجید (۱۴۰۴). «تحلیل روش‌های قرآنی در تقویت استقلال قضائی و نقش آن بر مشروعیت حکمرانی»، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۱، (شماره سوم پیاپی)، صفحات ۳۳ - ۴۷	

Analysis of Quranic Methods in Strengthening Judicial Independence & its Role in the Legitimacy of Governance	
<b>Authors</b>	
<b>Sedighe Moghadami Monfared</b>	
<b>Organizational Affiliation</b>	
Master's Degree in Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences & Education, Faculty of Quranic Sciences, Shiraz, Iran	
<b>Majid Sadeghi Mazedi*</b>	
Assistant Professor, Holy Quran University of Sciences & Education, Shiraz, Iran	
<b>Article Information</b>	
<b>Article Type</b>	Research
<b>Pages</b>	33 - 47
<b>Volume 1, Issue 2</b>	
<b>Corresponding Author's Info</b>	
<b>Corresponding Author's</b>	<b>Majid Sadeghi Mazedi</b>
<b>ORCID</b>	0000 - 0000 - 0000 - 0000
<b>Tell</b>	09120305525
<b>Email</b>	majid.sm39@yahoo.com
<b>Article History</b>	
<b>Received</b>	2025/04/04
<b>Revised</b>	2025/04/21
<b>Accepted</b>	2025/05/05
<b>Published Online</b>	2025/04/15
<b>Research Method</b>	Descriptive Analytical
<b>Keywords</b>	<i>Quran, Judicial Independence, Legitimacy, Governance, Challenges &amp; Obstacles</i>
<b>Description</b>	
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>	
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>	
<b>How to Cite This Article</b>	Moghadami Monfared, Sedighe; Sadeghi Mazedi, Majid (2025), "Analysis of Quranic Methods in Strengthening Judicial Independence & its Role in the Legitimacy of Governance", Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 2, Issue 1, (Third Consecutive Issue), Pages 33 - 47

## ۱- مقدمه

استقلال قضائی یکی از اصول اساسی نظام‌های حقوقی مدرن است که به قوه قضائیه این امکان را می‌دهد تا بدون مداخله نهادهای دولتی یا غیر دولتی به انصاف و عدالت در رسیدگی به پرونده‌ها بپردازد. در نظام‌های دموکراتیک، قوه قضائیه مستقل از قوه مجریه و مقننه است تا بی‌طرفی در قضاوت و تضمین حقوق فردی حفظ شود. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲: ۷۳) عدالت باید به‌طور شفاف و بدون ملاحظه‌های سیاسی یا دیگر مداخله‌ها اجرا گردد. در قرآن کریم، تأکید زیادی بر عدل و انصاف شده است و برخی آیات، مانند آیه ۵۸ سوره نساء، به عدالت در قضاوت اشاره دارند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ». این آموزه‌ها می‌توانند به‌عنوان مبنای تقویت استقلال قضائی در نظام‌های اسلامی مورد توجه قرار گیرند.

استقلال قضائی یکی از اصول بنیادین در حقوق عمومی است که موجب اعتماد مردم به حکومت و تضمین دادرسی عادلانه می‌شود. این استقلال به‌عنوان پیش‌نیاز فرهنگ قانون‌گرایی و حکومت مردم‌سالار شناخته می‌شود و در حکومت‌های دموکراتیک، ارتباطی نزدیک با توانایی دستگاه قضائی در مقابله با سوءاستفاده از قدرت دارد. (امیری، ۱۳۹۳: ۲۹). استقلال قضائی باید بر شخصیت قضات تأثیر گذاشته و قوه قضائیه را از نفوذ و مداخلات خارجی مصون نگه دارد (رجبی، ۱۳۸۹: ۷۳) بنابراین، استقلال قضائی باید به‌طور کامل در برابر قوه مجریه، مسئولان قضائی و حتی افکار عمومی حفظ شود تا از هرگونه تأثیر و مداخله محافظت گردد (آخوندی، ۱۳۸۴: ۳۷۵). پژوهش‌های متعددی در زمینه استقلال قضائی و جایگاه آن در نظام‌های مختلف حقوقی صورت گرفته است. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «استقلال قاضی و قوه قضائیه در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه» تألیف مهدی رشوند بوکانی اشاره کرد که به بررسی وضعیت استقلال قوه قضائیه و جایگاه آن در برابر دیگر ارکان حکومت پرداخته و با مقایسه سه کشور، تحلیل‌هایی ارزنده ارائه می‌دهد. همچنین، در کتاب «استقلال قضات در پرتو قوانین داخلی و حقوق اساسی ایران» نوشته علی‌اصغر ربیع‌پور و نیما نوروزی، اهمیت و لزوم استقلال قضائی در نظام حقوقی اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، کتاب «استقلال قاضی در حقوق ایران» که توسط قدرت مقتدری، مهرانگیز وکیلی و مهدی نکوئی نوشته شده است، تألیف قدرت مقتدری، مهرانگیز وکیلی و مهدی نکوئی، به تحلیل استقلال قاضی در حقوق ایران و فقه امامیه و شافعی و راهکارهای تحقق آن پرداخته است. هدف این پژوهش بررسی تأثیر آموزه‌های قرآنی بر استقلال قضائی و نقش آن در مشروعیت حکمرانی است، که می‌کوشد با بهره‌گیری از اصول قرآنی، ارتباط میان این دو حوزه را تبیین کرده و ابزارها و روش‌های قرآنی مؤثر در تقویت استقلال قضائی را شناسایی کند. بررسی تأثیر آموزه‌های قرآنی بر مشروعیت حکمرانی نیازمند تحلیل دقیق‌تری از اصول اخلاقی و حقوقی قرآن است. بنابراین، سؤالات اساسی این تحقیق عبارتند از:

۱. چه اصول و آموزه‌های قرآنی به تقویت استقلال قضائی کمک می‌کنند؟
۲. چگونه استقلال قضائی می‌تواند بر مشروعیت حکمرانی تأثیر بگذارد؟
۳. چه چالش‌هایی ممکن است در مسیر پیاده‌سازی این آموزه‌ها وجود داشته باشد؟

## ۲- مفهوم شناسی استقلال قضائی

استقلال قضائی بدین معناست که قضات تنها بر اساس قانون و وجدان خود حکم صادر کنند و از هرگونه تأثیر یا فشاری، چه از طرف دیگران یا نگرانی‌های شغلی، مصون باشند. آنها باید بدون ترس از جابه‌جایی یا کاهش مقام، به وظیفه خود عمل کنند (آخوندی، ۱۳۸۴: ۳۱۱). اصل استقلال قضائی، که بر استقلال قضات در دستگاه قضائی تأکید دارد، از اصول بنیادین دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. دولت‌ها در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی به شیوه‌های مختلفی برای تضمین این استقلال تلاش کرده‌اند (رستمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵)

۲۶). این اصل به معنای توانایی قوه قضائیه در انجام وظایف خود بدون دخالت یا تأثیر از نهادهای دولتی یا خصوصی است و به حفظ عدالت و انصاف در رسیدگی به پرونده‌ها کمک کرده و اطمینان می‌دهد که قضاوت‌ها بر اساس قانون و بدون تعصب انجام می‌شود. خداوند در سوره مائده آیه ۴۸ خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «...فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ، وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ...» یعنی این که باید طبق آنچه که از سوی خداوند نازل شده، حکم کند و از پیروی از خواسته‌های مردم به‌منظور جلب رضایت آنان اجتناب کند، چرا که قرآن بر دیگر کتاب‌های آسمانی مهیمن است و آنچه مطابق با آن حق است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵۷۱). همچنین در آیه ۵۸ سوره نساء بر لزوم قضاوت عادلانه و استقلال قاضی در انجام وظایفش تأکید می‌شود. استقلال قضائی به دلیل حساسیت موقعیت قوه قضائیه، با استقلال سایر دستگاه‌های عمومی تفاوت اساسی دارد و یکی از ارکان بنیادین استقلال ملت است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۷۳). فقدان استقلال قضائی می‌تواند دستگاه قضائی را تحت تأثیر حاکمان قرار دهد. برای دادرسی منصفانه، باید سیستمی قضائی مستقل و کارآمد وجود داشته باشد و برخی معتقدند که تنها در سایه دادگاه بی‌طرف می‌توان به عدالت دست یافت. (پروین، ۱۳۹۵: ۳۳۵). استقلال قوه قضائیه به تحقق اهداف سیاسی مهمی چون حفظ حاکمیت قانون، جلوگیری از تمرکز قدرت و استبداد، و ایجاد تعادل در سیستم قدرت کمک می‌کند، به همین دلیل نظام‌های مختلف به اهمیت استقلال سازمانی قوه قضائیه توجه دارند (باوری و تنگستانی، ۱۳۹۵: ۱۵۳). این استقلال شرط ضروری برای تحقق عدالت و دادرسی منصفانه است، زیرا به دادرسان اجازه می‌دهد تا بر اساس قانون و وجدان تصمیم‌گیری کنند. فقدان استقلال قضائی می‌تواند منجر به نفوذ نهادهای قدرتمند و سلب اعتماد عمومی از سیستم قضائی شده، که در نهایت به عدم تحقق عدالت و بی‌اعتباری دادگاه‌ها می‌انجامد.

### ۳- چالش‌ها و موانع پیش روی استقلال قضائی

استقلال قضائی یکی از اصول بنیادین نظام‌های حقوقی است که به تضمین عدالت و رعایت حقوق بشر کمک می‌کند. با این حال، تحقق این اصل با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه است. در ادامه به بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و موانع پیش روی استقلال قضائی پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱- تأثیر مداخلات نامشروع بر فرآیند قضائی

مداخلات نامشروع در فرآیند قضائی به هرگونه دخالت غیرقانونی، غیرشرعی یا غیراخلاقی در تصمیم‌گیری‌های قضائی گفته می‌شود که می‌تواند استقلال قضاوت و اجرای عدالت را تهدید کند. این مداخلات معمولاً از سوی نهادها یا افراد غیرقضائی صورت می‌گیرد و باعث می‌شود قاضی که باید فقط بر اساس دلایل قانونی و شرعی حکم بدهد، تحت تأثیر فشارهای خارجی قرار گیرد که می‌تواند عدالت و بی‌طرفی را به خطر اندازد. در قرآن کریم در سوره حجرات و در آیه اول نیز اشاره شده است که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». در این آیه کلمه «بَيْنَ يَدَيْ» معمولاً به معنای «جلو چیزی» است و این کاربرد، یا مجازی یا استعاره‌ای است. استفاده از این واژه برای خدا و رسول خدا نشان می‌دهد که منظور از آن، مقام حکمرانی است که اختصاص به خدا دارد و با اجازه او به رسولش نیز تعلق می‌گیرد. همچنان که در آیه ۴۰ سوره یوسف فرموده است: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَٰهٌ لِلَّهِ» و نیز در آیه ۶۴ سوره نساء فرموده: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»، همچنین آیه شریفه با شروع جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و پایان با «وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، اشاره دارد که عبارت «بَيْنَ يَدَيْ» به مقام حکم مربوط است. این حکم ویژه مؤمنان متقی است، کسانی که به خدا و رسول ایمان دارند و از آنها پرهیز می‌کنند. نتیجه آیه این است که مؤمنان در مواردی که حکم خدا و رسول است، نباید خود حکم کنند و باید تنها از دستورات خدا و رسول پیروی نمایند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۴۵۶). بنابراین، مداخلات نامشروع در فرآیند قضائی نه تنها نقض اصول

استقلال قضا است، بلکه به نوعی تجاوز به مقام قضائی و حکمرانی الهی است. به عنوان مثال، خداوند در آیات ۴۸ تا ۵۰ سوره مائده خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «...فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ...» و در ادامه ضمن تکرار دستور می‌فرماید: «وَأَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ...» یعنی آنان قصد فریب دارند تا برخلاف احکام الهی حکم کنی. سپس بیان می‌کند: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» به این معناست احکام الهی تنها احکام واقعی و درست هستند، و هر حکم دیگری ناشی از جاهلیت و خواسته‌های نادرست انسان‌هاست. کسانی که از حکم خدا روی می‌گردند باید پاسخ دهند که به دنبال چه حکمی هستند، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند بهتر از خدا حکم دهد. سوال‌های «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ» و «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا» توییح و انکار این موضوع است که هیچ حکمی جز حکم خداوند سزاوار پیروی نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸۰). طبرسی به نقل از جبائی می‌گوید منظور از «حکم جاهلیت» در اینجا رفتار یهودیان است که در آن مجازات افراد فقیر و ضعیف را اعمال می‌کردند، اما از مجازات افراد برجسته چشم‌پوشی می‌کردند. بنابراین، از آنان پرسیده شد که آیا به دنبال حکم جاهلیت (حکم بت‌پرستان) هستند، در حالی که خود پیرو کتاب آسمانی‌اند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۶۸). مداخلات نامشروع در فرآیند قضائی تهدیدی جدی برای استقلال قضا و تحقق عدالت است. هرگونه دخالت خارج از چارچوب قانونی و شرعی نه تنها اصول عدالت و بی‌طرفی را نقض می‌کند، بلکه موجب تضعیف اعتماد عمومی به سیستم قضائی و کاهش مشروعیت آن می‌شود. بنابراین، حفظ استقلال قضائی به عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام حقوقی عادلانه ضروری است تا قضا بتواند آزادانه و بر اساس حقایق، حکم صادر کند.

### ۳-۲- تأثیر فساد و ظلم بر استقلال قضائی

سازمان شفافیت بین‌الملل فساد را به سوءاستفاده از قدرت و منابع عمومی برای منافع شخصی تعریف می‌کند (Tiwari, 2009: 3). این پدیده علاوه بر منافع فردی، ممکن است به انگیزه‌های گروهی نیز مربوط باشد (Rimskii, 2013: 40). رابطه‌ای معکوس بین فساد و استقلال قضائی وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه استقلال قضائی بیشتر باشد، فساد کمتر است (Ackerman, 2007: 15). فساد و مشکلات داخلی سیستم قضائی تهدیداتی جدی برای استقلال قضائی کشورها به شمار می‌روند. در آیه ۱۵۲ سوره انعام خداوند می‌فرماید: «...وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ...» این آیه تأکید می‌کند که رعایت عدالت نه تنها در گفتار، بلکه در عمل نیز ضروری است. بنابراین، فردی که در سخن عادلانه است، باید در عمل نیز عدالت را رعایت کند. این اصل شامل تمامی جنبه‌های قضائی و مذهبی مانند شهادت، قضاوت، فتوا و امر به معروف می‌شود. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۵). در آیه ۱۳۵ سوره نساء، خداوند از مسلمانان می‌خواهد که در برقراری عدالت تحت تأثیر ملاحظات شخصی یا گروهی قرار نگیرند و حتی اگر شهادت به ضرر خود یا خانواده‌شان باشد، آن را نادیده نگیرند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلَوُوا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا». تعبیر «قیام» به معنای تصمیم راسخ و عزم جدی برای اجرای عدالت است. عدالت باید بدون قید و شرط اجرا شود، حتی اگر نیاز به اقدام فیزیکی نباشد. شهادت باید بر اساس حقیقت و برای خدا باشد، حتی اگر به ضرر خود یا نزدیکان باشد. در حدیثی از ابن عباس آمده که برخی تازه مسلمانان در مدینه به دلیل ملاحظات خویشاوندی از شهادت به حق خودداری می‌کردند. به این سبب، آیه‌ای نازل شد تا هشدار دهد که نباید تحت تأثیر ثروت یا فقر کسی قرار گرفت و فقط باید به حقیقت شهادت داد. در نتیجه، هیچ‌چیز نمی‌تواند مانع شهادت به حق شود، چون خداوند به حال افراد آگاه‌تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۶۲). فساد و تبعیض در دستگاه‌های قضائی نه تنها نقض اصول عدالت هستند، بلکه تهدیدی جدی برای مشروعیت و کارایی حکومت و نظام‌های

قانونی محسوب می‌شوند. بنابراین، ایجاد و حفظ استقلال قضائی به‌عنوان پیش‌شرطی برای اجرای عدالت و مقابله با فساد، یکی از الزامات اساسی برای توسعه و پیشرفت هر جامعه است.

### ۳-۳-۳- نقص قوانین

استقلال قضائی یکی از اصول بنیادین حقوق عمومی است که اعتماد مردم به دولت، حاکمیت قانون و دسترسی به دادرسی عادلانه را تضمین می‌کند. نهادینه شدن دموکراسی و حاکمیت مردم با گسترش فرهنگ قانون‌مداری مرتبط است و استقلال قضائی نیز پیش‌نیازی ضروری برای تثبیت این فرهنگ محسوب می‌شود (لارکینز، ۱۳۸۱: ۳۹). بنابراین نقص قوانین و مقررات به عنوان چالش پیش‌روی استقلال قضائی، یکی از مسائلی است که در نظام‌های حقوقی مختلف به وضوح مشاهده می‌شود. استقلال قضائی به معنای آزادی قاضی از تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است تا بتواند به صورت عادلانه و بی‌طرفانه به قضاوت بپردازد. اما نقص در قوانین و مقررات می‌تواند این استقلال را تهدید کند و مشکلات متعددی را به وجود آورد. از جمله عوامل نقص، می‌توان موارد زیر را برشمرد.

### ۳-۳-۳-۱- ابهام در قوانین

بر اساس گفته هگل: «شرط اینکه حقی قانونیت پیدا کند این است که نه تنها واجد صورت عام، بلکه همچنین دارای تعیین شود. بنابراین کسی که ماهیت قانون‌گذاری را می‌سنجد، نباید فقط متوجه نخستین جنبه صوری فلان قانون باشد، محتویات هر قانون را بسنجید و آگاه باشید که این قانون از شمولی مشخص و تعریف‌شده بهره می‌برد» (نویمان، ۱۳۷۳: ۱۳۴). ابهام در قوانین می‌تواند ناشی از واژه‌های چندمعنایی باشد که تفسیرهای مختلفی را ایجاد می‌کند. وقتی بافت جمله نتواند معنی قطعی را روشن کند، این چندمعنایی بودن واژه‌ها موجب ابهام در فهم و اجرای قانون می‌شود. (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۱۷). ابهام‌های زبانی ناشی از عدم وضوح در بافت یا انتخاب نادرست واژه‌ها می‌تواند مانع از درک صحیح مفهوم شود. این نکته در تمامی حوزه‌های تفکر و تحلیل اهمیت دارد و توجه به زمینه و بافت خاص، به روشن شدن معنای مورد نظر کمک می‌کند. این نکته حائز اهمیت است که در آیه ۱۵۹ سوره بقره آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا آتَتْهُمْ مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْأَهْدَىٰ...» کتمان آیات به دو معناست: یکی پنهان کردن خود آیه و عدم اظهار آن، و دیگری کتمان معنای آیه به‌طور عمدی از طریق تأویل یا توجیه تا آیه از ماهیت آیت بودن خود خارج شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸۵). کتمان حق تنها به پنهان کردن آیات قرآن یا نشانه‌های نبوت محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور کلی شامل مخفی کردن هر حقیقتی است که مردم را به واقعیت راهنمایی می‌کند. این امر حتی شامل سکوت در مواقعی می‌شود که بیان حقیقت ضروری است، به‌ویژه زمانی که نیاز به آگاهی عمومی احساس می‌شود و افراد می‌توانند با افشای حقیقت این نیاز را برطرف کنند. قرآن نه تنها از کتمان نهی می‌کند، بلکه بر لزوم بیان و تبیین حقیقت تأکید دارد. بنابراین، پنهان کردن حقیقت به هر بهانه‌ای، حتی عدم پرسش، برخلاف آموزه‌های اسلامی است و می‌تواند موجب تضعیف آگاهی عمومی شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۵۰). از این رو می‌توان گفت ابهام در قوانین می‌تواند به دو صورت بروز کند: نخست، عدم شفافیت در متن قانون که می‌تواند منجر به تفسیرهای مختلف و برداشت‌های نادرست شود. به عبارت دیگر، اگر قانون به‌گونه‌ای نوشته شود که معانی آن به وضوح مشخص نباشد، افراد می‌توانند آن را به طرق مختلف تفسیر کنند و این امر می‌تواند به کتمان یا تحریف مقاصد واقعی قانون منجر شود. دوم، گاهی ممکن است قانون‌گذاران بطور عمدی یا غیرعمدی، دلالت‌های خاصی از قانون را پنهان کنند یا به‌گونه‌ای آن را تأویل کنند که از هدف اصلی خود فاصله بگیرد. این وضعیت مشابه کتمان آیات در متن قرآنی است که بطور ضمنی بر اهمیت روشن بودن و صداقت در بیان مفاهیم تأکید دارد. در نتیجه، برای جلوگیری از ابهام، ضرورت دارد که قوانین بطور واضح و با دقت بیان شوند.

### ۳-۳-۲- عدم انطباق با نیازهای روز

عدم انطباق با نیازهای روز، به وضوح نشان دهنده ضرورت تغییر و تحول در درون انسان‌هاست. همان‌طور که در سوره رعد و در آیه ۱۱ «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...» اشاره شده، انسان‌ها باید ابتدا به اصلاح درونی خود پرداخته تا از نعمت‌های الهی بهره‌مند شوند. این تغییر درونی، زمینه‌ساز سازگاری با تحولات اجتماعی و فرهنگی است. علامه طباطبایی (ره) نیز بر این نکته تأکید می‌کند که تغییرات اجتماعی ممکن است باعث تشابه در آیات شود و نیاز به تفسیر و بازنگری مداوم در قوانین دینی را به همراه داشته باشد. ایشان در ذیل آیه ۷ سوره آل عمران «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...» می‌فرماید: یکی از عوامل تشابه در آیات قرآن، ثابت نبودن و گاهی متغیر بودن احکام اجتماعی و فرعی است. برخی آیات قرآن به قوانین اجتماعی و احکام فرعی مربوط می‌شوند که به دلیل تغییر شرایط اجتماعی، ممکن است ناسازگار به نظر آیند. این آیات به تدریج و در پاسخ به شرایط خاص نازل شده‌اند، اما آیات محکم به تفسیر و توضیح آیات متشابه پرداخته و این ناسازگاری‌ها را رفع می‌کنند. همچنین، آیات نسخ، تشابه آیات منسوخ را از بین می‌برند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴). این موضوع نشان می‌دهد که مفاهیم دینی به‌طور یکسان برای همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل فهم و اجرا نیستند و نیاز به تفسیر و بازنگری دارند. بنابراین، قوانین اگر نتوانند با تغییرات اجتماعی و اقتصادی سازگار شوند، ممکن است باعث بروز مشکلاتی در فرآیند قضاوت شوند. به‌عنوان مثال، ظهور فناوری‌های نوین و چالش‌های مربوط به آن، نیازمند بازنگری در قوانین موجود است تا بتوانند با تحولات جدید سازگار شوند و به‌درستی در فرآیند قضاوت اعمال شوند.

### ۳-۴- موانع و مشکلات اجرای احکام الهی

یکی از تفاوت‌های اساسی بین قواعد حقوقی و هنجارهای اخلاقی و مذهبی، تعیین حدود و مشخص کردن ضمانت اجراهای آن‌هاست (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۵۴). اجرای احکام الهی در دنیای معاصر با چالش‌هایی روبه‌روست که می‌تواند بر عملکرد دستگاه‌های قضائی و عدالت اجتماعی تأثیر بگذارد. در جوامعی که قوانین الهی و بشری همزمان اجرا می‌شود، ضعف نهادهای نظارتی و اجرایی می‌تواند مانع تحقق عدالت شود. قرآن به اهمیت اجرای دستورات الهی و عواقب عدم عمل به آن‌ها اشاره کرده و مثال‌هایی از کشته شدن پیامبران توسط اقوام مختلف را به‌عنوان نمادی از نافرمانی و کفر به احکام الهی ذکر می‌کند. قرآن کریم در سوره آل عمران و در آیه ۲۱ درباره یهود می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ». این آیه نشان دهنده ارتباط عمیق بین پذیرش پیام الهی، اجرای عدالت و عواقب نافرمانی از احکام است. در قرآن، نافرمانی از دستورات الهی، به‌ویژه در زمینه عدالت اقتصادی، عواقب سنگینی دارد. احکام زکات و ممنوعیت ربا برای تحقق عدالت اقتصادی و کاهش فقر طراحی شده‌اند، اما در دنیای مدرن با چالش‌هایی از سوی نهادهای اقتصادی روبه‌رو هستند. حقوق اسلامی تأکید زیادی بر توزیع عادلانه منابع و جلوگیری از تمرکز ثروت دارد تا به کاهش فقر کمک کند. به‌عنوان نمونه، در آیه ۱۰۳ سوره توبه، خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که از اموال زکات بگیرند: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا...». زکات با از بین بردن فساد ناشی از فقر و نابرابری اجتماعی، جامعه را پاک کرده و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. این فریضه الهی نه‌تنها فرد و جامعه را پاک می‌کند، بلکه بذره‌های فضیلت را در افراد می‌کارد و به رشد و پیشرفت جامعه کمک می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۸). همچنین در آیه ۱۳۰ سوره آل عمران، خداوند مسلمانان را از گرفتن ربا نهی کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». اجرای صحیح احکام الهی می‌تواند نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا کند، اما تناقضات میان اصول الهی و واقعیت‌های اقتصادی ممکن است استقلال قاضی و کارایی نظام قضائی را تهدید کند. ضمانت‌های اجرایی مؤثر برای اجرای احکام قضائی ضروری هستند و بر حفظ عدالت در جامعه تأثیر دارند. نهادهای

اقتصادی و اجتماعی باید فرهنگ عدالت و اجرای احکام الهی را ترویج کنند تا به کاهش نابرابری‌ها و تحقق توسعه پایدار کمک نمایند. بنابراین، هماهنگی مسائل حقوقی و اقتصادی با آموزه‌های دینی، شرط ضروری برای دستیابی به یک نظام قضائی کارآمد و عادلانه است.

#### ۴- روش های قرآنی در تقویت استقلال قضایی

قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی احکام دینی، اصولی را ارائه می‌دهد که به تقویت استقلال قضائی کمک می‌کند. این اصول نه تنها پایه‌گذار عدالت در قضاوت هستند، بلکه تضمین‌کننده اجرای تصمیمات قضائی بدون تأثیر یا دخالت خارجی‌اند. در ادامه، به بررسی تأثیر این اصول بر استقلال قاضیان در نظام قضائی می‌پردازیم.

#### ۴-۱- علم و آگاهی بر مبنای اصول اسلامی و فقهی

وقتی در بحث قضا و قضاوت سخن از «علم» به میان می‌آید، دو نوع علم قابل تمایز است: علم حقوق: این نوع علم به مجموعه قواعد و اصول حقوقی اطلاق می‌شود که برای تصدی منصب قضا ضروری است. تسلط به این علم، به‌ویژه از طریق ادله عقلی و نقلی معتبر، برای قاضی ضروری و واجب است. علم حقوق در واقع دانشی است که به قاضی کمک می‌کند تا به‌طور صحیح و منطبق با اصول حقوقی به مسائل و دعاوی رسیدگی کند. و علم شخصی قاضی: این نوع علم به آگاهی و شناخت شخصی قاضی از موضوع مورد دعوی اشاره دارد. یعنی زمانی که قاضی به‌طور مستقل و از راه‌های مختلف به موضوع دعوی آگاهی پیدا می‌کند و در جریان جزئیات آن قرار می‌گیرد. این علم به معنای «علم شخصی» قاضی است که در فرآیند قضاوت، نقشی مهم و تأثیرگذار دارد. مدنی می‌گوید: «علم قاضی» معمولاً به علم شخصی او اشاره دارد که اساس بسیاری از مباحث مرتبط با ادله اثبات دعوی است. این علم در اصول فقه به مسائلی مانند قطع و ظن پرداخته و نقش مهمی در تعیین اعتبار و تأثیرگذاری ادله دارد. در نهایت، علم قاضی، به‌ویژه در قالب علم شخصی، بخش اساسی در بررسی ادله اثبات دعوی است. (مدنی، ۱۳۷۸: ۳۷۷). در ادامه، هر یک از این دو نوع علم، یعنی علم قاضی به موضوع مورد قضاوت و علم حقوق، را بررسی خواهیم کرد.

#### ۴-۱-۱- علم حقوق

اگرچه قرآن به‌طور خاص به «علم حقوق» به معنای امروزی اشاره نکرده، اما مفاهیم مرتبط با عدالت، حقوق انسان‌ها، مجازات‌ها و اخلاق اجتماعی در آن آمده که به درک اصول حقوقی کمک می‌کند. بنابراین، نظام‌های قضائی اسلامی باید برنامه‌های آموزشی برای قضات شامل فقه اسلامی، حقوق بشر و مسائل اجتماعی و اقتصادی داشته باشند و آشنایی قاضی با تحولات قانونی نیز ضروری است تا در مواجهه با چالش‌های جدید، تصمیم‌گیری صحیحی انجام دهد. در آیه ۹ سوره زمر «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...»، علم و جهل به‌طور کلی ذکر شده‌اند، اما منظور از علم، علم به خداوند است که انسان را به کمال واقعی می‌رساند و تنها این علم نافع است. فقدان این علم به زیان و گمراهی می‌انجامد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۱). علم به خداوند راهگشای زندگی انسان است، در حالی که فقدان آن منجر به ناآگاهی از حقیقت هستی و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی می‌شود و ممکن است به گمراهی بیانجامد. بنابراین، ارتقاء آگاهی و کسب علم نافع از وظایف اصلی هر انسان مؤمن است. «قضات باید دانش و مهارت‌هایی بسیار فراتر از صرف سواد حقوقی داشته باشند تا بتوانند وظیفه ذاتی خود یعنی اجرای عدالت را به درستی ایفا کنند» (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۴۰۱: ۱۴۷). آموزش مداوم و مؤثر یکی از عوامل کلیدی در شایستگی قضات است که به تأمین استقلال، بی‌طرفی و شایستگی دستگاه قضائی کمک می‌کند. شایستگی قضائی از طریق آموزش‌های قبل و حین حرفه قضائی و تجربه کاری به دست می‌آید و برای دستگاه قضائی کشورهای مختلف اهمیت دارد. (اکبری رودپشتی

و زمانی، ۱۴۰۱: ۱۶۲). آموزش و ارتقاء آگاهی قضات علاوه بر بهبود کیفیت قضاوت، به تقویت اعتماد عمومی به نظام قضائی و اجرای عدالت نیز کمک می‌کند. در آیه ۱۱ سوره مجادله بیان شده: «... يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...» که به اهمیت ایمان و علم در ارتقاء درجات انسان‌ها تأکید شده است، جایی که خداوند مؤمنان و دانشمندان را به درجات بالا می‌برد. بنابراین، ارتقاء آگاهی و کسب علم نافع نه تنها وظیفه فردی، بلکه مسئولیتی اجتماعی است که به بهبود جامعه و نظام قضائی کمک می‌کند و باید همراه با تقویت ایمان و تقوا برای تحقق عدالت و اعتماد عمومی باشد. نمونه دیگر آیه ۱۰۳ سوره بقره می‌باشد که می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» بیان می‌کند که اگر یهود به جای پیروی از افسانه‌ها و خرافات، به ایمان و تقوا می‌پرداختند، پاداشی که از جانب خدا می‌گرفتند، بهتر و سودمندتر از آنچه که از سحر و کفر انتظار داشتند، می‌بود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۶). مطابق آیه، سعادت واقعی در پیروی از اصول اخلاقی و معنوی است. به همین دلیل، آموزش و ارتقاء آگاهی قضات در نظام‌های قضائی اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است و نقش مهمی در بهبود کیفیت قضاوت و تقویت اعتماد عمومی به نظام قضائی ایفا می‌کند. متون اسلامی بر اهمیت علم و ایمان تأکید دارند و نشان می‌دهند که این دو عامل نه تنها رشد فردی قضات، بلکه مسئولیت اجتماعی آن‌ها را نیز افزایش می‌دهند. بنابراین، نظام‌های قضائی اسلامی باید بر آموزش مداوم قضات تأکید کنند تا کیفیت قضاوت و اعتماد عمومی را تضمین کنند.

#### ۴-۱-۲- علم قاضی به موضوع مورد قضاوت

علم قاضی به معنای آگاهی قاضی از وقوع بزه و انتساب آن به متهم از طریق شواهد عینی یا استدلال‌های ذهنی است. اعتبار این علم زمانی معتبر است که بر اساس شواهد قابل لمس و عینی باشد و قابلیت بررسی در مراجع تجدیدنظر را داشته باشد (شاملو احمدی، ۱۳۸۰: ۳۱۵). فقیهان و حقوقدانان بر این نظرند که علم قاضی باید بر شواهد حسی یا نزدیک به آن استوار باشد و از روش‌های معتبر و معمول به‌دست آید، نه از طریق روش‌های غیرعادی مانند خواب یا قرائن ضعیف (موسویان، ۱۳۸۴: ۹۵)، مانند تفأل به قرآن، رمل و اسطرلاب (مقتدایی، ۱۳۷۶: ۳۶). بر اساس آموزه‌های دینی و فقهی، قضاوت باید بر پایه علم و یقین باشد، نه ظن و گمان یا منابع غیرقابل اعتماد. این نکته در آیه شریفه ۳۶ سوره اسراء «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...» تأکید شده است، که از پیروی از ظن و گمان در قضاوت، شهادت و عمل نهی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۷). آیه ۶ سوره حجرات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» بر لزوم دقت و تحقیق در برخورد با اخبار تأکید دارد. خبر واحد، حتی اگر از فردی عادل باشد، به‌تنهایی علم قطعی ایجاد نمی‌کند و باید مورد بررسی قرار گیرد (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۹۹). آموزه‌های دینی و فقهی بر قضاوت مبتنی بر علم و یقین تأکید دارند تا از اشتباهات جلوگیری و عدالت حفظ شود. در دنیای امروز، با توجه به حجم زیاد اطلاعات، رعایت این اصول در عرصه‌های قضائی و اجتماعی ضروری است تا حقیقت روشن و حقوق مردم محفوظ بماند.

#### ۴-۲- اجتناب از نفوذ و وابستگی‌ها

قرآن بر اهمیت استقلال و بی‌طرفی قاضیان تأکید دارد تا ضمن حفظ عدالت و حقوق افراد، از نفوذ و وابستگی‌های خارجی جلوگیری شود. در آیه ۴۲ سوره مائده آمده: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنَّ جَاوِكَ فَاحِكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضُ عَنْهُمْ وَ إِنْ تَعْرَضُ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُّوكَ شَيْئًا وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحِكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» «گوش‌نهادگان بر دروغند، خوردگان حرامند. پس اگر نزد تو آمدند میانشان حکم کن یا از ایشان رویگردان شو و اگر رویگردان شوی هیچ به تو زبانی نرسانند. و اگر میانشان حکم کنی به عدالت حکم کن که خدا عدالت پیشگان را دوست دارد». این آیه به رشوه به عنوان «سحت» اشاره دارد و نشان می‌دهد که علما و بزرگان یهود برای

جلوگیری از اجرای حکم خداوند، رشوه می گرفته‌اند. خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که تنها با عدالت و انصاف حکم کند و حکم الهی را اجرا نماید؛ در غیر این صورت، پیامبر نباید مداخله کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۵۸). بنابراین نفوذهای اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی می‌توانند بر تصمیم‌گیری قاضی تأثیر بگذارند و در نتیجه، به عدالت لطمه بزنند. خداوند در سوره آل عمران آیه ۲۸ می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...» که وابستگی به نظام‌های غیر اسلامی می‌تواند اصول اخلاقی و دینی را تهدید کند. بنابراین، حفظ استقلال در روابط اجتماعی و قضائی برای رعایت اصول اسلامی و تضمین عدالت و اعتماد عمومی ضروری است.

#### ۴-۳- مشورت و مشارکت در قضا

فقهای اسلامی، اعم از شیعه و سنی، تصریح کرده‌اند که مستحب است قاضی هنگام قضاوت، جمعی از اهل علم و خیره را در جلسه قضاوت حاضر کند (نجفی، ۱۴۲۱: ۲۶۰) به گفته محقق حلی: «مستحب است که قاضی اهل علم را در دادگاه حاضر کند که شاهد قضاوت او باشند که اگر خطایی از او سر زد، به او تذکر بدهند» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۶۶). «منظور از اهل علم، مجتهدان هستند، البته نمی‌گویم که [قاضی] از آنها تقلید کند اما چندین مجتهد باید حضور داشته باشند، چه قاضی دچار خطا شود و چه دچار خطا نشود، و می‌گویند این حکم به این دلیل است که جزئیات وارد در قضا نیاز به دقت دارد و صعوبت مدرک می‌تواند باعث شود که قاضی نسبت به بعضی مدارک و اصول غفلت کند. در این زمان مجتهدین او را از خطایش با خبر می‌کنند» (شهید ثانی، ۱۳۱۴: ۳۷۳). این امر با آموزه‌های قرآن هماهنگ است، زیرا آیه ۳۸ سوره شوری بر اهمیت مشورت در امور اجتماعی تأکید دارد: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...». قاضی نیز با مشورت با اهل علم می‌تواند از خطاها و لغزش‌ها جلوگیری کند. پیامبر (ص) نیز در امور مختلف با یاران خود مشورت می‌کرد که نشانه برکات مشورت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۶۲). خداوند در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «...شاورهم فی الأمر...» در تفسیر آیه اشاره شده، مشورت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به معنای مشورت در نحوه پیاده‌سازی احکام الهی بود، نه در فرآیند قانون‌گذاری. مشورت به فرد کمک می‌کند تا شخصیت و روابط اطرافیان را بشناسد و موفقیتش را تسهیل کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴۵). مشورت در قرآن به تقویت استقلال قضایی کمک می‌کند، زیرا با کاهش خطاها، افزایش مشروعیت و ایجاد همکاری میان قضات، به قضاوت‌های عادلانه و تقویت اعتماد عمومی به سیستم قضایی می‌انجامد. استفاده از آموزه‌های قرآنی در مشورت می‌تواند به بهبود عملکرد قضاوت و استقلال آن در جوامع اسلامی کمک کند.

#### ۵-۵- مشروعیت حکمرانی

مشروعیت حکمرانی یکی از مباحث بنیادین در علوم سیاسی و فلسفه حکومت است که به بررسی منابع، معیارها و اصولی می‌پردازد که به حکومت‌ها اعتبار و جواز فرمانروایی می‌دهد. این مفهوم به ویژه در رابطه با حکومت‌های دینی و دموکراتیک اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در هر دو نوع، پرسش‌های اساسی درباره منبع مشروعیت، ارتباط میان حاکمان و مردم، و نحوه پذیرش و حمایت از حکومت مطرح می‌شود. در ادامه، به برخی از معیارها و جنبه‌های مختلف مشروعیت حکمرانی در آیات قرآن می‌پردازیم.

#### ۵-۱- مفهوم مشروعیت و ابعاد آن

مشروعیت یکی از ویژگی‌های نظام حکومتی است که حاکم با اتکاء به آن، حکمرانی خود را صحیح می‌داند و مردم نیز تبعیت از حکومت را وظیفه خود می‌شمارند (نوروزی، ۱۳۷۸: ۱۱۵). مشروعیت به معنای پذیرش آگاهانه و داوطلبانه مردم از نظام سیاسی و قدرت حاکم است که نشان‌دهنده حقانیت آن می‌باشد. به عبارت دیگر، مشروعیت نیروی پنهانی است که مردم را بدون فشار به اطاعت از حکومت وادار

می کند (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۲۴۴). بنابراین، مشروعیت حکمرانی به پذیرش قدرت حاکم توسط مردم بستگی دارد و از عواملی مانند قانونی بودن، کارایی در تأمین نیازها، و اجرای عدالت ناشی می شود. استقلال قضایی از پیش شرطهای عدالت است که به قاضی ها امکان قضاوت بدون فشار می دهد. سیستم قضایی مستقل و عادلانه، مشروعیت حکومت را تقویت کرده و اعتماد مردم را جلب می کند.

## ۵-۲- عوامل مؤثر بر مشروعیت حکمرانی

مشروعیت حکمرانی یکی از مسائل کلیدی در علوم سیاسی و اجتماعی است که بر کیفیت و پایداری نظامهای سیاسی تأثیر بسزایی دارد. عوامل مختلفی می توانند بر مشروعیت حکمرانی مؤثر باشند که به شرح زیر است:

### ۵-۲-۱- اطاعت از حاکم اسلامی

قرآن بر لزوم اطاعت از حاکمان عادل که بر اساس احکام الهی عمل می کنند تأکید دارد. این اطاعت بر پایه شریعت و اصول اخلاقی و اجتماعی است که موجب آرامش و نظم در جامعه می شود. در آیه ۵۹ سوره نساء نیز به مؤمنان دستور داده شده که از حاکمان پایبند به قوانین الهی اطاعت کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» اختلافات در احکام اسلامی مربوط به مسائلی است که تشریح آن ها مختص خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. امامان معصوم (علیه السلام) تنها مجری احکام الهی بوده و هیچ قانونی وضع یا نسخ نمی کنند. بر اساس احادیث اهل بیت (علیه السلام)، هر چه برخلاف قرآن یا سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد، پذیرفتنی نیست. مرجع نخست حل اختلافات، خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند و احکام امامان معصوم (علیه السلام) نیز مبتنی بر این منابع است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۴۲). علامه در ذیل آیه بیان می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دو جنبه مهم دارند: جنبه تشریعی که به تبیین احکام و مسائل قرآن می پردازد و جنبه حکومتی و قضائی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان حاکم و قاضی احکام را صادر می کردند. خداوند در قرآن در سوره نساء و در آیه ۱۰۵ نیز به این مقام اشاره کرده است: «لِتَحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» یعنی «تا در بین مردم به آنچه خداوند به فکر تو می اندازد حکم کنی.» رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اساس ظواهر قوانین قضا در میان مردم حکم می کرد، و در صورت بروز نزاع، حکم به مسائل جدید مربوط می شد. آیات قرآن نیز کسانی را که به حکم طاغوت روی می آورند و حکم خدا و رسولش را نمی پذیرند، نکوهش می کنند مانند آیه ۶۰ سوره نساء که خداوند فرموده اند: «... يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَكَّمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا». حکم باید به قرآن و سنت بازگشت داده شود که دو حجت قطعی هستند. وقتی ولی امر بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر حکم می کند، سخن او نیز حجت است، زیرا آیه شریفه ولی امر را مطاع دانسته و هیچ شرطی برای اطاعت از او ذکر نکرده است. در نهایت، سخنان ولی امر باید به قرآن و سنت برگردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۱۹). اطاعت از حاکمان اسلامی که بر اساس شریعت عمل می کنند، نه تنها وظیفه دینی بلکه برای حفظ نظم و عدالت در جامعه است. این اطاعت تضمینی برای تحقق عدالت و جلوگیری از انحراف است، زیرا حاکم اسلامی به عنوان مجری احکام خداوند و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نماینده مشروعیت الهی در اداره جامعه است.

### ۵-۲-۲- شفافیت و پاسخگویی

شفافیت به معنای دسترسی آزاد به اطلاعات و روشن بودن فرآیندهای قضایی است. در یک سیستم قضایی شفاف، مردم می توانند به راحتی از نحوه کارکرد نظام قضایی و تصمیمات قضات مطلع شوند. و پاسخگویی به معنای مسئولیت پذیری قضات و نهادهای قضایی در قبال

عملکردشان و پذیرش نتایج تصمیمات است. این مفهوم موجب می‌شود که نهاد قضایی به مردم پاسخگو باشد و در برابر سوء استفاده یا خطاها مسئولیت پذیر باشد. بنابراین شفافیت و پاسخگویی موجب می‌شوند که قضات با اطمینان بیشتری به قضاوت بپردازند و از هرگونه فشار سیاسی یا اجتماعی مصون باشند. این دو عنصر برای اعتماد مردم به دعوت پیامبران به عنوان حاکمان الهی در زمین نیز در آیات قرآن منعکس شده است: برای مثال، در قرآن اعلام دعوت به حج به عنوان یک عمل عبادی، نشان دهنده شفافیت در هدف و منافع آن برای افراد است، خداوند خطاب در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره حج به حضرت ابراهیم (علیه السلام) می‌فرماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿۲۷﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...». علامه می‌فرماید: منظور از «حج را میان مردم اعلام کن تا به سوی تو بیایند»، دعوت مردم به زیارت خانه‌ای است که ابراهیم ساخته است. این آمدن به خانه خدا، موجب تجربه منافع دنیوی و اخروی برای مردم می‌شود. وقتی آنها این منافع را مشاهده کنند، به خانه خدا علاقه‌مند خواهند شد، زیرا انسان‌ها به طور طبیعی به سودهای شخصی خود علاقه دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۲۳). این فراخوانی به مردم برای حضور و مشاهده منافع، شفافیت در اهداف و نتایج حج را نشان می‌دهد و می‌تواند حس همبستگی و اعتماد را در جامعه تقویت کند. دسترسی به اطلاعات برای حفظ ثبات و تأیید شفافیت حیاتی است. امروزه شفافیت به عنوان بهترین وضعیت فرهنگی و کارآمدترین ساختار در زمینه اطلاعات شناخته می‌شود که به راحتی قابل دسترسی است (گلیدر، ۲۰۱۴: ۱۰۹۸). سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در داوری به این صورت بود که ابتدا از طرفین دعوا دلیل می‌خواست. اگر بینه معتبر وجود داشت، حکم صادر می‌کرد و در غیر این صورت، از مدعی علیه قسم می‌گرفت. در صورت تردید در اعتبار شهود، پیامبر از آنان درباره سوابقشان سؤال می‌کرد و فرستادگانی به قبیله‌ها می‌فرستاد تا صحت شهادت را بررسی کنند. اگر تأیید می‌شد، حکم صادر می‌کرد، در غیر این صورت طرفین را به مصالحه دعوت می‌کرد. (الحرالعالمی، بی تا: ۳۳۲). این موضوع نشان‌دهنده اهمیت شفافیت و دسترسی به اطلاعات در فرایندهای قضائی و تصمیم‌گیری است. در برخی موارد، پاسخگویی به اشتباه با شفافیت برابر دانسته می‌شود، در حالی که شفافیت خود پیش شرطی برای دستیابی به پاسخگویی است. (جلالی و ازنر، ۱۳۹۵: ۲۵). پاسخگویی به عملکرد موجب بهبود کارایی و مدیریت مؤثرتر می‌شود، زیرا افراد با توجه به مسئولیت‌های خود و نیاز به پاسخگویی، از ارتکاب اشتباهات جلوگیری می‌کنند (آرمسترانگ، ۲۰۰۵: ۲۷). شفافیت سازی اعتماد مردم به سیستم قضایی را افزایش می‌دهد و شرایط پاسخگویی عادلانه را فراهم می‌کند. بر اساس آیه ۳۱ سوره آل عمران که می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» پیروی از اصول اخلاقی و شرعی موجب محبت و بخشش خداوند می‌شود. این امر نشان می‌دهد که پایبندی قضات به اصول اسلامی، شفافیت و پاسخگویی در تصمیمات را تقویت می‌کند. استقلال قضایی به عنوان یک ارزش اخلاقی در قرآن، زمینه‌ساز عدالت و اعتماد مردم به سیستم قضایی است.

## ۵-۲-۳- مجری عدالت

عدالت از بنیادی‌ترین اصولی است که در قضاوت و نظام‌های حقوقی جایگاه ویژه‌ای دارد. در اسلام، قضاوت نه تنها به عنوان یک وظیفه قانونی، بلکه به عنوان یک مسئولیت اخلاقی و اجتماعی نیز تلقی می‌شود. قرآن کریم در آیه ۵۸ سوره نساء به وضوح بر اهمیت عدالت در قضاوت تأکید می‌کند: «... وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...». به زمامداران امر می‌کند که در میان مردم به عدالت حکم کنند. نظیر آن، آیه ۲۶ سوره ص است: «يَا دَاوُدَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ». روایت شده است که پیامبر گرامی به علی (علیه السلام) فرمود: «میان دو طرف دعوا، در نگاه کردن و سخن گفتن مساوات برقرار کن» نقل شده که دو کودک خط خود را پیش امام حسن (علیه السلام) بردند و از ایشان خواستند که نظر بدهند کدام خط بهتر است. حضرت علی (علیه السلام) که آن‌ها را مشاهده

می کرد، فرمود: «پسرم در باره حکم خود دقت کن، که خداوند در روز قیامت، از همین حکم نیز از تو سؤال خواهد کرد» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۰۰). قضاوت امانتی الهی است که قاضی باید امین خدا، پیامبر و ولی او باشد و بر جانها، اموال و نوامیس مردم حاکم شود. فرد فاسق که صلاحیت امانتداری ندارد، نمی تواند قضاوت کند یا شهادت دهد (انصاری، ۱۳۷۱: ۷۲). حق دادرسی عادلانه ایجاد می کند که قضاوت از نظر نهادی و شخصی مستقل از نفوذ سیاسی و اجرائی باشند (فضایلی، ۱۳۹۴: ۱۸۰). و همه افراد به طور مساوی و بدون تبعیض به نظام قضائی دسترسی داشته باشند، همانطور که در نظام قضائی اسلامی تأکید فراوانی بر آن شده است (فرحزادی، ۱۳۷۹: ۵۹). عدالت قضائی با دسترسی برابر افراد به نظام قضائی و استقلال قضائی ارتباط دارد. قضاوت باید مستقل از فشارهای خارجی تصمیم گیری کند. استقلال قضائی موجب افزایش اعتماد عمومی و تشویق افراد به طرح دعاوی بدون ترس می شود، که اعتبار و اثربخشی سیستم قضائی را تقویت می کند.

## ۶- نتیجه گیری

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی قانون گذاری در جوامع اسلامی، اصولی را برای تقویت استقلال قضائی و تحقق عدالت در نظام حکمرانی ارائه می دهد. نهادهای قضائی با پیروی از این اصول می توانند اعتماد عمومی را افزایش داده و فرآیندهای حکومتی را بهبود بخشند. در جوامع اسلامی، نهادینه سازی این اصول سبب هم راستایی سیستم قضائی با ارزش های اسلامی و اصول قرآنی می شود که نه تنها مشروعیت حکمرانی را تقویت می کند، بلکه نهادهای قضائی را به عنوان مراجع بی طرف و عادل معرفی می نماید. این امر همچنین به تقویت حاکمیت قانون و پیشگیری از سوء استفاده های قدرت کمک می کند. با این حال، در پیاده سازی این آموزه ها در نظام های قضائی معاصر، چالش هایی مانند مداخلات سیاسی، عدم تخصص کافی و فشارهای اجتماعی وجود دارد. برای تحقق کامل استقلال قضائی، نیاز به ایجاد بسترهای آموزشی مناسب، ارتقاء آگاهی عمومی و بهره برداری از تجربیات موفق کشورهای اسلامی در این حوزه احساس می شود. این اقدامات می توانند به تقویت سیستم های قضائی و حکومتی با مشروعیت بالاتر و پایدارتر کمک کنند.

## منابع

### ❖ قرآن کریم

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، «آیین دادرسی کیفری»، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد
۲. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴)، «مبانی سیاست»، چاپ دهم، تهران: طوس
۳. الحرّ العاملی، محمد بن الحسن (بی تا)، «وسائل الشیعه»، جلد بیست و هفتم، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث
۴. اکبری رودپشتی، عظیم؛ زمانی، قاسم (۱۴۰۱)، «اهمیت و جایگاه آموزش قضات در اسناد سازمان ملل متحد و مقایسه آن با نظام قضائی ایران»، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۰
۵. امیری، محسن؛ ویژه، محمدرضا (۱۳۹۳)، «اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضائی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱۸
۶. انصاری، حمید (۱۳۷۱)، «مبانی فقهی شرایط قاضی در فقه شیعه و مذاهب چهارگانه»، بی جا: بی نام
۷. پروین، خیرالله (۱۳۹۵)، «حقوق بشر از نظر تا عمل»، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان
۸. جعبی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین علی (۱۴۱۳)، «مسالك الأفهام إلى تنقیح الشرائع الاسلام»، جلد سیزدهم، قم: مؤسسه دارالمعارف الاسلامیه
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، «ترمینولوژی حقوق»، تهران: کتابخانه گنج دانش
۱۰. جلالی، محمد؛ اژنر، زهرا (۱۳۹۵)، «پاسخگویی دولت: جایگاه، ارکان و پیش شرط ها»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۱
۱۱. حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، جلد چهارم، قم: اسماعیلیان
۱۲. رجبی، عبدالله؛ کریمیان، اسماعیل (۱۳۸۹)، «مسند قضا و استقلال قضائی»، مجله پژوهش‌نامه حقوقی، دوره ۱، شماره ۱
۱۳. رستمی، ولی (۱۳۸۸)، «دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران»، چاپ اول، تهران: گرایش
۱۴. شاملو احمدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، «فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزائی»، چاپ اول، اصفهان: دادیار
۱۵. صفوی، کورش (۱۳۸۳)، «درآمدی بر معنی‌شناسی»، تهران: سوره مهر
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، «ترجمه تفسیر المیزان»، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه جامعه مدرسین
۱۷. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، «آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، «ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن»، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات فراهانی
۱۹. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، «کشف اللثام و الابهام عن قواعد الأحكام»، جلد دهم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی
۲۰. فرحزادی، علی اکبر (۱۳۷۹)، «معرفی اجمالی اصول بنیادین در دادرسی عادلانه»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۵، شماره ۱۹
۲۱. فضالی، مصطفی (۱۳۹۴)، «دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی»، چاپ سوم، تهران: شهر دانش
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، «مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوق ایران»، تهران: شرکت سهامی انتشار

۲۳. لارکینز، کریستوفر (۱۳۸۱). «استقلال قضائی و مردمی شدن»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۵
۲۴. مدنی، جلال الدین (۱۳۷۸)، «آیین دادرسی کیفری ۱ و ۲»، چاپ اول، تهران: پایدار
۲۵. مسلم (۱۴۰۷)، «صحیح مسلم»، جلد دوازدهم، بیروت: دارالکتب العربی
۲۶. مقتدایی، مرتضی (۱۳۷۶ش)، «علم قاضی در حقوق اسلامی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۹
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، «تفسیر نمونه»، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۲۸. موسویان، سید ابوالفضل (۱۳۸۴)، «قلمرو علم قاضی»، دو فصلنامه مقالات و بررسی ها، دفتر فقه، دوره ۳۸، شماره ۷۷
۲۹. نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۲۱)، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام»، جلد بیستم، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)
۳۰. نوروزی، محمدجواد (۱۳۷۸)، «فلسفه سیاست»، چاپ چهارم، قم: آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۳۱. نویمان، فرانسیس (۱۳۷۳)، «آزادی و قدرت و قانون»، چاپ اول، تهران: خوارزمی
۳۲. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۹)، «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، جلد دوم، تهران: میزان
۳۳. یوری، اسدالله؛ تنگستانی، قاسم (۱۳۹۵)، «نظام پاسخگویی قوه قضائیه و نسبت آن با استقلال این قوه»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، شماره ۹۵
34. Armstrong, E. (2005). *“United Nations Integrity, Transparency and Accountability in Public Administration: Recent Trends”*, Regional and International Developments and Emerging Issues, Economic & Social Journal, V 12 (3), pp. 4.
35. Gleider I. Hernandez. (1999). *“Turning Mirrors into Windows? Reflections on Transparency in International Law”*, the Journal of World Investment.
36. Tiwari, N. (2009). *“Legal Regime on Prevention of Corruption in Judiciary, Bhopal”*, India, Vol. 5, No. 4.
37. Rimskii, V. (2013). *“Bribery and the Judiciary”*, Russian Politics & Law, Vol. 51, No. 4.
38. Ackerman, S. (2006). *“Judicial Independence and Corruption, GCR”*, Edinburgh: Cambridge University Press